**رمضان ماه مهماني خدا**

انسان با بينشي گذرا در اعمال عبادي، به نكات ظريفي برخورد مي‌كند كه جز مصلحت و خير انديشي در آن، چيز ديگري نمي‌بيند.

روزه از جمله اعمالي است كه هم جنبه عبادي دارد، هم جنبه فردي و هم اجتماعي. اين ابعاد انسان را به تفكر وا مي‌دارد كه چگونه ساعاتي امساك از خوردن و آشاميدن، آثاري چنين ارزنده بجا مي‌گذارد. اين چند ساعت امساك بندگان را منضبط، حق شناس و مطيع مي‌سازد و از سويي انسان را به تفكر وا مي‌دارد تا به سختي زندگي فقرا پي ببرد و موقعيت مردم ضعيف جامعه را حس نمايد و از سوي ديگر درجه اخلاص خود را محك بزند تا در گذر يك سال بتواند نردبان تقربي بسازد كه آراسته‌تر در محضر خداي سبحان حاضر شده و حظ كافي را ببرد.

زمين خشكيده وجود انسان كه مدتها قطره آبي به خود نديده است ملتمسانه چشم به آسمان دوخته تا دانه‌اي را كه در سينه پنهان دارد بارور سازد و در اين فرصت، يرمض الذنوب شود و از پلكان ترقي سبك بال بالا رود و توشه‌اي براي نيكو سپري كردن يك سال خود، كسب كند.

**نامگذاري رمضان**

امام جعفر صادق علیه السلام فرموده‌اند: نگوييد اين رمضان است و نگوييد رمضان رفت و يا آمد، زيرا رمضان نامي از اسماءالله است كه نمي‌رود و نمي‌آيد كه شيء زائل ونابودشدني مي‌رود و مي‌آيد، بلكه بگوييد ماه رمضان، پس ماه را اضافه كنيد در تلفظ به اسم كه اسم، اسم الله بوده و ماه رمضان ماهي است كه قرآن در آن نازل شده است، و خداوند آن را مثل وعده و وعيد قرار داده است.[1]

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: به راستي كه رمضان ناميده شد زيرا گناهان را از بين مي‌برد.[2]

باز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند:ناميده شد رمضان به خاطر شدت گرما.[3]

**فلسفه روزه**

امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: اگر بپرسند: چرا مأمورند به روزه ماه رمضان و بس، نه كمتر و نه زيادتر؟ گفته مي‌شود: براي آن كه اين مقدار، حدي است كه از اجراي آن، هم ضعيف بر مي‌آيد و هم قوي، و جز اين نيست كه خداوند فرايض و واجبات را به اندازه‌اي كه در امكان غالب افراد باشد تعيين فرموده، آن‌گاه ناتوانان را آزادي داده، بدين معني كه اگر خواستند با اينكه سخت است آن را انجام دهند مانعي نباشد، و نيز توانايان را ترغيب كرده كه اگر خواستند غير ماه رمضان را هم با گرفتن روزه تقرب جويند و چنان كه به كمتر از اين صلاح‌شان بود خداوند كمتر مي‌فرمود و اگر محتاج به بيشتر از اين بودند به زياده از اين امر مي‌فرمود.[4]

امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: اگر بپرسند روزه چرا واجب شده است؟ پاسخ آن است كه درد گرسنگي و تشنگي را بدانند و از اين راه پي به فقر و بي‌ زاد و توشگي آخرت ببرند و براي اينكه روزه دار بر اثر ناراحتي كه از گرسنگي و تشنگي برايش پيش آمده فروتني كند و كوچكي كند و نياز نشان دهد تا اجر برد و به حساب آورد كار خويش را بشناسد و پايداري و مقاومت كند بر آن، و از اين جهات مستحق اجر شود، با آنچه كه در آن است از قبيل جلوگيري از طغيان شهوات هوي‌ها، و اينكه موجب عبرت و موعظه‌اي باشد براي آنها در اين دنيا و تمريني باشد براي انجام تكاليف آنها و راهنمايي باشد براي آنها در عالم ديگر و بشناسد شدت مشكلات فقرا و بينوايان را در دنيا، و آنچه را كه خداوند در اموالشان براي مساكين و تهيدستان واجب كرده ادا كنند.[5]

باز امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: و اگر بپرسند كه چرا روزه فقط در ماه رمضان مقرر شده نه ماههاي ديگر؟ پاسخ آن است كه براي اينكه ماه رمضان ماهي است كه خداوند در آن قرآن را نازل فرموده است و در آن ميان حق و باطل كاملا جدايي افتاده چنانچه خداوند فرموده است ماه رمضان ماهي است كه در آن قرآن نازل گشته است و آن براي هدايت مردمي است و در آن علايمي از براي راهنمايي و جدا كننده حق از باطل است در اين ماه به پيغمبر وحي شد و در آن شب قدر است، شبي كه از هزار ماه بهتر است. در آن شب هر كاري محكم و برقرار مي‌شود و آن اول سال قمري است و در آن تقديرات و مسائلي كه در آن سال ازنيكي و بدي، سود و زيان، زندگي و مرگ، وجود رقم زده مي‌شود و به همين جهت است كه شب را قدر مي‌گويند.[6]

از هشام بن حكم است كه گفت، از امام صادق علیه السلام سؤال كردم درباره علت روزه، فرمود: اما علت روزه بدان سبب است كه فقير و غني در يك سطح شود زيرا غني درد گرسنگي را نچشيده تا به فقير رحم كند زيرا غني هر گاه چيزي را بخواهد توانايي ‌آن را دارد پس خداوند عزوجل به اين وسيله خواست كه بين بندگانش برابري اجرا كند و حس گرسنگي و درد را به غني بچشاند، تا دلش بر ضعيفان به رحم آيد و بر انسان گرسنه مهرباني كند.[7]

از حمزة بن محمد روايت است كه گفت به ابي محمد عسگري علیه السلام نوشتم چرا خداوند عزوجل روزه را واجب كرده است؟ در جواب آن آمد: تا غني حس گرسنگي را بچشد و به فقير احسان كند.[8]

در خطبه فاطمه (عليها السلام) درباره امر فدك آمده است:... خداوند روزه را براي تثبيت اخلاص واجب كرد.[9]

جعفر بن محمد بن حمزه در گفتگويي با ما گفت: به ابي محمد علیه السلام نوشتم: چرا خداوند روزه را واجب كرد؟ پس برايم نوشت: خداوند تعالي روزه را واجب كرد تا غني حس گرسنگي را بچشد تا بر فقير مهر ورزد.[10]

امام رضا علیه السلام فرمودند: اگر بپرسند چرا زن بايد روزه را قضا كند ولي نمازش قضا ندارد؟ گفته مي‌شود كه براي چند جهت. اول اينكه گرفتن روزه او را از كارهاي لازم زندگي خود باز نمي‌دارد و از خانه‌داري و خدمت به شوهرش و انجام فرمان او و اصلاح امور منزل و شستشو و نظافت مانع نمي‌شود، ولي نماز وقت را مي‌گيرد و مانع از انجام همه امور ديگر مي‌شود زيرا نماز در شبانه روز مكرر واجب مي‌شود و زن قدرت آن را ندارد كه هم نمازهاي مدت ناپاكي خود را به جاي آورد و هم نمازهاي ايام پاكي و هم كارهاي لازم و ضروري زندگي زناشويي يا فردي خود را انجام دهد ولي روزه اين چنين نيست و يكي ديگر از علتهاي آن اين است كه نماز خود زحمت نشست و برخاست و تحرك لازم دارد ولي در روزه اين امور نيست و تنها نخوردن و خودداري كردن از مفطرات است، نه حركت و جنبش و فعاليت و در تمام مدت شبانه روز هيچ وقت جديدي نمي‌رسد مگر اينكه در آن نماز جديدي واجب مي‌شود ولي روزه اين طور نيست كه هر روز كه مي‌رسد روزه‌اش بر او واجب باشد مانند نماز كه هر وقت سر مي‌رسد نمازي بر او واجب باشد.[11]

امام علي علیه السلام فرموده‌اند: يكي از يهوديان خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسيد و از مسائلي پرسش كرد. يكي از پرسشها اين بود؛ اگر بپرسند به چه دليلي خداوند روزه را براي امت تو سي روز قرار داده و بر امم ديگر بيش از اين؟ پيامبر فرمودند: به دليل اينكه آدم وقتي از درخت (ممنوعه) خورد سي روز در بدنش باقي بود پس خداوند بر فرزندان او سي روز گرسنگي و تشنگي را واجب كرد و كسي كه روزه را افطار مي‌كند فضلي است از جانب خداوند بر بندگانش و آدم هم اين گونه بود. پس خداوند بر امت من واجب كرد. سپس اين آيه را تلاوت كردند. يهودي گفت: اي محمد راست گفتي! پس پاداش فرد روزه‌ دار چيست؟ پيامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هيچ مؤمني نيست كه ماه رمضان را فقط به حساب خدا روزه بگيرد مگر اينكه خداوند هفت خصلت براي او واجب كند؛ حرام را از بدنش ذوب مي‌كند، او را به رحمت خدا نزديك مي‌كند، مي‌پوشاند گناه و اشتباه پدرش، حضرت آدم را، سكرات مرگ را بر او آسان مي‌كند، از گرسنگي و تشنگي روز قيامت خداوند او را در امان مي‌دارد، به او برات از آتش را عطا مي‌كند و از طيبات بهشت بر او مي‌خوراند.[12]

**فضيلت ماه رمضان**

حضرت علي علیه السلام فرمودند: نگوييد رمضان بلكه بگوييد ماه رمضان، پس همانا شما نمي‌دانيد كه رمضان چيست.[13]

حفص بن غياث مي‌گويد: به امام صادق عرض كردم: به من خبر ده از گفته خدا، ماه رمضاني كه نازل شده در آن قرآن، چگونه قرآن در ماه رمضان نازل شده و در حالي كه قرآن در مدت بيست سال از اول تا آخرش نازل شده است؟ فرمود: همه قرآن در ماه رمضان به بيت المعمور نازل شده و در مدت بيست سال از بيت المعمور نازل شده است.[14]

امام جعفر صادق علیه السلام فرموده‌اند: چه خوب ماهي است ماه رمضان، ماهي كه در زمان پيامبر ماه پر بركت ناميده شد.[15]

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: اگر بدانيد در رمضان چه براي شما تقدير شده، سپاس خود را براي خدا افزون مي‌كنيد.[16]

ابن سلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسيد: اسلام و ايمان چيست؟ پيامبر فرمودند: اما اسلام اينكه شهادت بدهي كه خدايي جز الله نيست، يكتاست و شريكي ندارد و اقرار كني به اينكه محمد بنده و رسول خداست و به پا داشتن نماز و دادن زكات و روزه ماه رمضان و حج بيت الله الحرام، اگر توانايي آن را داشته باشي و اما ايمان، ايمان بياوري به خدا و ملائكه و كتاب و پيامبرانش و روز رستاخيز و اينكه معتقد باشي سر نوشت، خوب و بد آن از سوي خداست.[17]

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: در نخستين شب از ماه رمضان درهاي آسمان باز مي‌شود و تا شب آخر ماه رمضان بسته نمي‌شود.[18]

ابن عباس مي‌گويد از پيامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنيدم كه مي‌فرمودند: همانا بهشت تزيين و آراسته مي‌شود از سالي به سال ديگر، به خاطر حلول ماه رمضان.[19]

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: هلال ماه رمضان چون بر آيد درهاي جهنم بسته مي‌شود و درهاي بهشت باز مي‌شود و شياطين در بند مي‌شوند.[20]

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: به تحقيق خداوند براي هر شيطان شرور و سركش هفتاد ملك را وكيل كرده پس راهي براي فرار ندارند تا اينكه ماه رمضان به پايان برسد.[21]

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: به امت من در ماه رمضان پنج چيز داده شده كه به امت هيچ پيغمبري پيش از من داده نشده است. اما عطاي اول: هر گاه شب اول ماه رمضان فرا رسد خداوند به سوي بندگان نظر مي‌كند و كسي كه خدا به او نظر كرده تا ابد عذاب نمي‌شود دوم: بوي بد دهان آنان كه در نزد خدا شب زنده‌داري مي‌كنند خوشبوتر از بوي مشك مي‌شود: سوم: ملائكه براي ايشان در شب و روز استغفار مي‌كنند. چهارم: همانا خداوند عزوجل بهشت خويش را امر مي‌كند كه استغفار كند و تزيين شود براي بندگان. پس چه نزديك است كه سختي‌هاي دنيا آنها را در خود فرو برد و مي‌روند به سوي بهشت من و كرامت من. پنجم: پس هر گاه شب آخر فرا رسد خداوند همه بندگان را مي‌آمرزد.

مردي گفت: يا رسول الله در شب قدر؟ پيامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: مگر نمي‌بيني كه كارگران هر گاه كارشان تمام شود، مزد به آنها مي‌دهند.[22]

در روز قيامت، خداوند، ماه رمضان را به بهترين شكل محشور مي‌كند و او را بر روي تلي قرار مي‌دهد كه بر هيچ يك از افرادي كه در آن محشر حضور دارند پوشيده و پنهان نمي‌شود سپس دستور داده مي‌شود پوششي از لباسهاي بهشت، انواع سندس آن و پيراهن‌هاي آن را بر وي بپوشاند تا آن گاه كه چنان عظيم گردد كه هيچ يك از ديدگان در آن نفوذ نكند (قدرت ديدن ندارد) و هيچ گوشي توانايي درك شنيدن مقدارش را ندارد و هيچ قلبي نمي‌تواند حقيقت آن را دريابد، سپس به ندا دهنده از درون عرش مي‌گويد: نداده! وي نيز فرياد بر مي‌آورد: اي جمع بندگان و آفريدگان! آيا اين را مي‌شناسيد؟ و خلايق به من مي‌گويند: اجابت مي‌كنيم تو را اي فراخواننده از سوي پروردگارمان و چه مبارك قدمي تو، ولي ما او را نمي‌شناسيم. آن گاه ندا دهنده مي‌گويد: اين ماه رمضان است چه بسيارند آنان كه در آن به سعادت دست يافتند و چه بسيارند كساني كه در آن به شقاوت رسيدند. پس هر مؤمني كه به وسيله طاعت خداوند در آن ماه او را بزرگ داشت، بيايد و نصيب خود را از اين لباس‌ها و خلعت‌هاي بهشتي بر دارد. سپس آنها را بين خود بر اساس طاعت‌تان از فرامين خدا و تلاش‌تان تقسيم كنيد. گفت: مؤمناني كه اطاعت خدا را كرده بودند به نزد او مي‌روند و ده هزار خلعت بر مي‌دارند و برخي كمتر و يا بيشتر بر مي‌دارند و خداوند آنها را به وسيله كرامات خويش مشرف (مفتخر) مي‌كند. بدانيد كه گروهي هستند كه آن خلعتها را بين خود رد و بدل مي‌كنند و با خود مي‌گويند: ما به خداوند ايمان داشتيم و به يگانگي آن اعتقاد داشتيم و به فضيلت اين ماه اعتراف مي‌كنيم پس آن لباسها و خلعتها را مي‌گيرند و مي‌پوشند.[23]

امام رضا علیه السلام فرمودند: كارهاي نيك در ماه رمضان مقبول و گناهان آمرزيده است، كسي كه در ماه رمضان يك آيه از قرآن را بخواند مثل اين است كه در غير رمضان يك ختم قرآن كرده است و كسي كه در اين ماه روي خوش به برادر ايماني‌اش نشان دهد و با خنده دلش را شاد كند، روز قيامت او را ملاقات نمي‌كند مگر اينكه مي‌خندد و خوشحال مي‌كند او را و بهشت را به او بشارت مي‌دهد و كسي كه در اين ماه اعانت كند، خدمتي به برادر ايماني‌اش بنمايد، خداوند او را در عبور از پل صراط كمك مي‌كند آن روز كه تمام پاها مي‌لغزند و كسي كه خشم و غضبش را نگهدارد روز قيامت خداوند خشم و غضبش را از او نگه مي‌دارد و اگر كسي بيچاره‌اي را دريابد خداوند در روز قيامت از فزع اكبر امانش مي‌دهد و اگر كسي در اين ماه به ستمديده‌اي ياري كند، خداوند در دنيا از كل دشمنانش و در روز قيامت هنگام حساب و ميزان، ياريش مي‌فرمايد.[24]

آري ماه رمضان ماه بركت و رحمت است، ماه آمرزش، رحمت و پذيرش توبه است. ماه بازگشت از معاصي است. هر كس در ماه رمضان آمرزيده نشد و از غفران بي پايان الهي بهره‌ اي نگرفت، پس در چه ماهي آمرزيده مي‌شود؟! پس بخواهيد و سؤال كنيد از خداوند تا روزه شما را در اين ماه قبول فرمايد و اين ماه را آخرين رمضان شما قرار ندهد و شما را در اين ماه به طاعت خويش موفق بدارد و از معاصي خويش حفظتان كند، كه به راستي او بهترين مسئول است.

**روزه‌ داري**

يكي از برنامه‌هاي ترقي دهنده و تكامل دهنده انسان در مسير رسيدن به رضوان الهي كه ضامن سعادت دنيا و آخرت و سلامت جسم و روح آدمي است، روزه مي‌باشد و بايد آن را يك موهبت الهي دانست كه اثر آن در اصلاح روح و جان انسان وصف ناشدني است. با دقيق شدن در سيره ائمه معصومين (عليهم السلام) و اولياي الهي و همچنين ارزيابي حيات پر فروغ عرفا و عابدان حقيقي درگاه حق، به جايگاه والا و شايسته روزه و روزه داري پي برده مي‌شود. به همين خاطر، پا در بوستان هميشه باطراوت هاديان بشريت زده و گفتار را با چند شاخه از اين گلستان مزين مي‌كنيم تا سرلوحه روزه داري و تهجد همگي ما در ميهماني خدا بشود.

**آيات**

اي كساني كه ايمان آورده‌ايد روزه براي شما واجب شد همان طوري كه بر امتهاي قبل شما واجب گرديد تا شايد پرهيزكار شويد.[25]

از براي آن كه آن مدت را تمام كنيد و خدا را به بزرگي ياد نمائيد (به خاطر هدايت شما) باشد كه شكرگزار او باشيد.[26]

**روايات**

ابي امامة (از صحابه پيغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ) گفت: خدمت رسول خدا سؤال كردم: اي رسول خدا مرا به عملي شايسته راهنمائي كن. گفت: بر تو باد روزه! زيرا كه روزه جايگزيني ندارد و ثوابش هم از اندازه گيري و وزن خارج است. عرض كردم: يا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم! مرا به عملي شايسته رهنمون شويد! فرمود: بر تو باد روزه! زيرا روزه گرفتن از نظر ثواب و فضيلت مشابهي ندارد. براي بار سوم عرض كردم: اي رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! مرا به عملي نيكو راهنمايي كنيد و فرمود: بر تو باد روزه! زيرا روزه هيچ مثل و مانندي ندارد.[27]

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: كسي كه در ماه رمضان روزه بگيرد و تمايلات شهوي و جنسي و همچنين زبانش را از گناه حفظ نمايد و مردم از شر او در امان باشند، خداوند گناهان و معاصي گذشته و آينده‌اش را آمرزيده و او را از آتش جهنم مصون مي‌دارد و بهشت را جايگاه او قرار داده و نيز شفاعت او را نيز در مورد گناهكاران از اهل توحيد، مي‌پذيرد حتي اگر به تعداد ريگ‌هاي بيابان باشد.[28]

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: به راستي اين ماه مانند ماههاي ديگر نيست. چون به شما رو كند با رحمت و بركت آيد و چون از شما دور شود با آمرزش گناهان برود. اين ماهي است كه حسنات در آن دو چندان است و اعمال خير در آن مقبول است. هر كه در اين ماه براي خدا دو ركعت نماز نافله بخواند خدا او را بيامرزد. سپس فرمود: بدبخت و به حق بدبخت كسي است كه اين ماه را طي كند و گناهانش آمرزيده نشود. اين جاست كه زيانكار بوده در حالي كه خوش كرداران به جوايز پروردگار كريم كامياب گردند.[29]

امام صادق علیه السلام فرمودند: روزه خواهش‌هاي نفساني را مي‌ميراند (چرا كه منبع همه فتنه‌ها و شرور، شكم است) و روزه موجبات حيات دل و پاكي اعضاء و جوارح است. (فايده ديگر) تعمير ظاهر و باطن است و شكرگزاري بر نعمت‌هاي الهي است. احسان نمودن به فقراء، تضرع زياد، خشوع و گريه و باعث فزوني التجاء به درگاه خداست كه سبب شكستن شهوات و سبكي حساب و دو چندان شدن حسنات مي‌شود و در روزه آن قدر فوايد هست كه قابل شمارش نيست و آن چه كه بيان شد براي كسي است كه صاحب عقل و درايت و توفيق عمل است كفايت مي‌كند.[30]

امام باقر علیه السلام فرمودند: اي جابر! كسي كه در ماه رمضان داخل شود و روزهايش را روزه و شبهايش را به دعا و نيايش سپري نمايد و نفس سركش را از شهوات و زبانش را از محارم حفظ نمايد و چشمش را از حرام ببندد و اذيتش را از مردم باز دارد از گناهان و معاصي خويش خارج مي‌شود مثل روزي كه از مادر متولد شده و هيچ گناهي ندارد. جابر گفت: فدايت شوم، چه حديث زيبايي فرموديد: حضرت فرمود: و چه شرايط سخت و دشواري دارد.[31]

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: چه بسا شب زنده داري كه بهره‌اش از نماز شب فقط ايستادن و شب بيداري است و چه بسا روزه داري كه بهره‌اش از روزه‌ داري، فقط عطش و تشنگي است.[32]

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: هر كس رمضان را روزه بگيرد و در آن از حرام و بهتان دوري كند خدا از او خشنود مي‌شود و بهشت را بر او واجب مي‌گرداند.[33]

امام جعفر صادق علیه السلام فرموده‌اند: هر گاه روزه گرفتي پس بايد گوش و چشم و موي تو روزه باشد. امام چيزهاي ديگر نيز غير از اينها بر شمرد و فرمود: نبايد روزي كه روزه هستي با روز افطارت يكي باشد.[34]

گوش تواند كه همه عمر وي \*\*\* نشنود آواز دف و چنگ و ني

ديده شكيبد ز تماشاي باغ \*\*\* بي گل و نسرين به سر آرد دماغ

گر نبود بالش آكنده پَر خواب \*\*\* توان كرد حجر زير سر

اين شكم خيره سر پيچ پيچ \*\*\* صبر ندارد كه بسازد به هيچ

از آنجايي كه روزه، دانشگاه انسان سازي است لذا دانشجوي اين دانشگاه هم بايد از تعاليم و آداب واجد آن برخوردار بوده و بر اعضا و جوارح خود تسلط داشته باشد نه اينكه فقط معده‌اش روزه‌ دار بوده و بقيه اعضا و جوارحش مشغول پرده دري و گناه باشد.

**درجات روزه‌داران**

روزه داران به سبب درجاتي كه روزه آنها از نظر تعالي دارد، به سه دسته تقسيم مي‌شوند: روزه عوام، روزه خواص، روزه خواص الخواص.

روزه عوام، روزه اي است كه فقط معده و فرج شخص در آن روزه بوده و فقط در سدد نخوردن و نياشاميدن است.

روزه خواص، روزه اي است كه روزه دار تمام اعضاي خود را از حرام و گناه باز مي‌دارد و مصداق حديث امام باقر علیه السلام قرار مي‌گيرد و به اجر روزه دار واقعي نائل مي‌شود.

روزه خواص الخواص، روزه اي است كه علاوه بر امساك همه جوارح بدن، شخص روزه دار از دل خويش هم در اشتغال به مسائل مادي و اخلاق رذيله و حتي فكر گناه محافظت مي‌كند كه افطار اين روزه غفلت از ياد خدا است. در واقع هميشه مشغول ذكر خدا هستند و به مضمون آيه شريفه قل الله ثم ذرهم[35] نائل مي‌گردند.

افطار روزه عوام هنگام اذان مغرب، افطار روزه خواص هنگام مرگ و افطار روزه خواص الخواص هنگام جاي گرفتن در رضوان و قرب خداست.

**مثال**

ماه رمضان ماه زمام داري انسان بر نفس است. مثال آن مانند اسب و سوارش مي‌باشد. اگر افسار اسب را محكم نگه داريم ما را به هر جا كه بخواهيم مي‌برد و از ما اطاعت مي‌نمايد اما اگر افسار آن را رها كنيم ما را بر زمين خواهد زد. بايد افسار آن را محكم در دست گرفت و نگذاشت كه هر جا مي‌خواهد برود. اگر چشمش به آب و غذا افتاد، به طرف آن نرود و آن كاري را كه ما مي‌خواهيم اطاعت كند. مثال ديگر اينكه اگر كسي بخواهد به آب زلال دستيابي پيدا كند بايد يك چاه عميق بكند، اما اگر يك چاه كم عمق و سطحي حفر كند، يا به آب نمي‌رسد و يا به آب كثيف و غير زلال دست پيدا مي‌كند.

**داستان**

امام حسن مجتبي علیه السلام در روز عيد فطري از كنار جماعتي گذشت كه مشغول شوخي و خنده بودند. [36] حضرت ناراحت شد و به آنها فرمود: خدا ماه رمضان را ميدان مسابقه بندگان خود قرار داده است. تعدادي گوي سبقت را مي‌ربايند و پيروز مي‌شوند و تعدادي از قافله عقب مي‌مانند و روسياه مي‌گردند. عجب است در روزي كه پيشي گيرندگان، پيروز شده‌اند و عقب ماندگان زيانكار گرديده‌اند، جمعي به شوخي و خنده مشغولند. به خدا قسم اگر پرده در افتد، امروز نيكوكار مشغول قسمت خود و عقب افتاده گرفتار بديهاي خود است و احدي فرصت شوخي و لهو و لعب را ندارد.[37]

**[افطار در مسجد] افطار در مسجد**

وقتي امير المؤمنين علیه السلام زمامدار مسلمين بود، بيت المال فراواني در نزد حضرت وجود داشت. ايشان در مسجد كوفه مشغول به روزه و اعتكاف بودند. روزي مردي بيابان نشين وارد مسجد كوفه شد. نزديك افطار بود و مرد اعرابي گرسنه‌اش بود. ديد در گوشه‌اي از مسجد پيرمردي مشغول افطار است. آمد تا با او هم سفره شود. ديد در سفره‌اش فقط شيشه‌اي قاووت (آرد جو) وجود دارد. پيرمرد به او تعارف كرد اما مرد اعرابي هر چه كرد نتوانست از آن بخورد. بلند شد و از مسجد بيرون آمد.

در كوچه‌ها مي‌گشت و منتظر بود تا دري باز شود و او را بر سر سفره‌اي بخوانند تا اينكه به در خانه حضرت علي علیه السلام رسيد. از آنها غذايي در خواست كرد. حسنين (عليهما السلام) هم او را داخل برده و غذاي خوبي به او دادند وقتي كه مرد سير شد ياد پير مرد افتاد و آنچه بر سر سفره او ديده بود براي آنها باز گفت و عرضه داشت كه اگر ممكن است مقداري از اين غذا را براي آن پير مرد ببرد. در اين حال حسنين (عليهما السلام) به گريه افتادند كه؛ آن پير مرد كه تو ديدي پدر ما علي است.[38]

**داستان علماء پيرامون عبادت در ماه رمضان**

**امام خميني (قدس سره)**

يكي از همراهان امام در نجف اشرف اظهار داشت كه؛

ايشان هر روز ده جزء از قرآن را در ماه رمضان مي‌خواندند، يعني هر سه روز يك دوره قرآن مي‌خواندند. برادران خوشحال بودند كه دو دوره قرآن را خوانده‌اند ولي بعد مي‌فهميدند كه امام ده يا يازده دوره قرآن را خوانده‌اند و فكر مي‌كنم كه حالا هم ايشان اين برنامه را داشته باشند. فرزند امام مي‌گفت: شبي در ماه رمضان من پشت بام خوابيده بودم. خانه ايشان يك خانه كوچك 45 متري بود. بلند شدم ديدم كه صدا مي‌آيد و متوجه شدم كه آقاست كه در تاريكي در حال نماز خواندن است و دستهايش را به طرف آسمان دراز كرده و گريه مي‌كند. برنامه عبادي ايشان اين بود كه در ماه رمضان، شب تا صبح نماز و دعا مي‌خواندند و بعد از نماز صبح و مقداري استراحت، صبح زود براي كارهايشان آماده بودند.[39]

**علامه طباطبايي (رحمه الله)**

علامه در مراتب عرفان و سير و سلوك معنوي مراحلي را پيموده بود. اهل ذكر و دعا و مناجات بود... شبهاي ماه رمضان تا صبح بيدار بود، مقداري مطالعه مي‌كرد و بقيه را به دعا و قرائت قرآن و نماز و اذكار مشغول بود.[40]

**ميرزا محمد جعفر انصاري (رحمه الله)**

اين عالم جليل القدر از بستگان مرحوم شيخ انصاري از مراجع نامدار خوزستان و حافظ قرآن مجيد بوده است درباره وي نوشته‌اند: او با آن همه مشاغل درسي، عبادات موظفه خود را كه از سن بلوغ مشغول بود ترك ننمود. او گذشته از نوافل شبانه روزي و قرائت يك جزء كلام الله و نماز حضرت جعفر طيار، هر روز زيارت جامعه و عاشورا را در يك جلسه، ايستاده به جا مي‌آورد و هنگام عبادت توجه خاصي داشت. حافظه‌اش بسيار عجيب بود، قرآن مجيد و تعقيبات و نمازها و دعاهاي هر ماه، هر روز و هر شب ماه مبارك رمضان و... را از حفظ داشت.[41]

**سخن آخر**

**طلب مغفرت**

در روايت امام صادق علیه السلام آمده است كه حضرت سجاد علیه السلام اشتباهات غلامان خود را در طول ماه رمضان با ذكر تاريخ و مورد آن يادداشت مي‌كردند سپس آخر ماه رمضان، آنها را جمع كرده و از آنها اقرار مي‌گرفتند و مي‌فرمودند كه آنچه را من مي‌گويم تكرار كنيد؛ اي علي بن حسين! همان طوري كه ما غلام و بنده تو هستيم و تو اشتباهات ما را ثبت كرده‌اي، خدا هم كارهاي تو را ثبت كرده است. اينك ما را عفو كن و ببخش چنانچه تو اميدواري خدا از گناهان تو بگذرد. بياد آر آن روزي كه با خفت و خواري در پيشگاه عدل الهي مي‌ايستي، آن خدائي كه به اندازه خردلي ستم روا نمي‌دارد، همان مقدار كم را هم در قيامت به حساب مي‌‌آورد، از ما در گذر كه خدا از تو در گذرد كه در قرآن آمده:

وليعفوا وليصفحوا الا تحبون ان يغفر الله لكم[42]

پس عفو كنيد و چشم پوشي كنيد آيا نمي‌خواهيد خدا شما را ببخشد.

حضرت سخنان خود را به غلامان تلقين مي‌كرد و آنان تكرار مي‌كردند و با نواي جانسوز اشك مي‌ريخت و مي‌گفت: پروردگارا! تو دستور گذشت به ما داده‌اي از ما نيز در گذر! خدايا! تو به عفو و گذشت از ما شايسته‌تري! به ما گفته‌اي كه سائل را از در خانه خود محروم و نا اميد بر مگردانيد. اينك به اميد بخشايش، در خانه‌ات آمده‌ايم. از تو مي‌خواهيم بر ما كرم فرمايي. پروردگارا! بر بنده خود منت گذار و نا اميدم مكن و مرا جزو كساني قرار ده كه از عطاياي تو بهره‌مند گشته‌اند. آن‌گاه به غلامان خود رو كرده و مي‌فرمودند: من از شما گذشتم آيا شما هم مرا بخشيديد و از كوتاهي و قصوري كه نسبت به شما كرده‌ام گذشتيد؟ اگر من مالك ستمگر شما بوده‌ام، خود هم تحت قدرت مالكي دادگر هستم. غلامان عرض مي‌كردند: آقا! با اينكه هرگز به ما بدي نكرده‌ايد شما را بخشيديم. سپس حضرت مي‌فرمود:

بگوييد اللهم عف عن علي بن الحسين كما عفي عنا فاعتقه من النار كما اعتق رقابنا من الرق؛ بار خدايا! از علي بن الحسين بگذر، چنانچه او از ما گذشت و او را از آتش جهنم آزاد كن همان طوري كه ما را از بندگي خود آزاد كرد. سپس حضرت، خود مي‌گريست او در آخر گفتار آنها آمين مي‌گفت و مي‌فرمود: شما را آزاد كردم به اميد اينكه خداوند هم مرا ببخشد و آنها را آزاد مي‌ساخت و هر ساله حدود بيست نفر از آنان را در عيد فطر آزاد مي‌فرمودند[43]

**توسل**

اين قدر حضرت كريم بودند و بخشش داشتند. اما يك روزي آمد كه راوي مي‌گويد: ديدم حضرت را سوار بر شتر برهنه كرده‌اند و پاهاي حضرت را با زنجير از زير شكم شتر به هم بسته‌اند و دست و پاي حضرت در غل جامعه است. جلوتر رفتم، ديدم كه تعدادي سر را بالاي نيزه‌‌ها كرده‌اند. گفتم: اين سرها كه بالاي نيزه‌هاست سر كي هست؟ گفتند: اينها سر يك تعداد خارجي است! گفتم: رهبر اين خارجي‌ها كه بوده؟ جواب دادند: حسين بن علي پسر رسول خدا. تا اين حرف را شنيدم شروع كردم به گريه كردن.

امام سجاد علیه السلام مرا ديد و فرمود: تو كي هستي كه گريه مي‌كني در حالي كه همه مردم شادند؟

عرضه داشتم: آقا جان! من شما را مي‌شناسم كاش به اين شهر نيامده بودم و اين منظره را نمي‌ديدم. آقا فرمودند: حالا كه آشنا هستي به اين نيزه دارها بگو تا اين سرها را جلوتر ببرند كه مردم به بهانه ديدن سرها چشمشان به زنان حرم نيفتد.[44] (اي حسين!...)

اي سرت چون ماه سرگردان به روي نيزه‌‌ها \*\*\* از غمت خون عقده بسته بر گلوي نيزه‌ها

يادمان نمي‌رود آن لحظه‌اي را كه اسب بي صاحب به خيمه‌ها برگشت. اهل حرم بيرون دويدند يكي گفت: ذوالجناح بابايم كجاست؟ يكي گفت: ذوالجناح چرا بابايم را نياوردي؟ يكي ديگر گفت: ذوالجناح وقتي بابايم به ميدان مي‌رفت تشنه بود بگو بدانم آيا پدرم را آب دادند و يا لب تشنه كشتند؟.[45]

خاطرات كربلا از پيش چشمانم گذشت \*\*\* تا بر آمد صوت قرآنت ز روي نيزه‌ها

آمدي با سر به ديدارم كه برگردد حسين \*\*\* ديده مردم ز محمل‌ها به سوي نيزه‌ها

من فداي حنجر خشكت كه نوشيده‌ ست آب \*\*\* گه زجام تيغها يا از سبوي نيزه‌ها

**فضيلت شب قدر**

اللهم ارزقني فيه فضل ليلة القدر و صيّر اموري فيه من العسر الي اليسر و اقبل معاذيري و حط عني الذنب و الوزر يا رئوفا بعباده الصالحين

بار خدايا فضل شب قدر را در اين روز20 من روزي كن و كارهايم را از سختي به آساني وا گردان و عذرم را بپذير و گناهانم را بريز اي مهربان به بندگان نيكوكار.

شب قدر شبي است كه در آن قرآن به پيامبر عظيم الشأن اسلام نازل شده است و فضيلت عبادت در اين شب از تمام شبها بيشتر است. در اين شب مقدرات يك سال انسان معين مي‌گردد. از با فضيلت‌ترين اعمال در چنين شبي احياء مي‌باشد كه به معناي پاس داشتن يك شب تا صبح است. پس جا دارد كه در چنين شبي انسان از اعمال خود استغفار نمايد چرا كه شب توبه است و خداوند در آن شب بندگانش را مورد اكرام خاص خود قرار مي‌دهد.

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند \*\*\* و اندر آن ظلمت شب آب حياتم دادند

چه مبارك سحري بود و چه فرخنده شبي \*\*\* آن شب قدر كه اين تازه براتم دادند

هاتف آن روز به من مژده اين دولت داد \*\*\* كه بدان جور و جفا صبر و ثيابم دادند

همت حافظ و انفاس سحر خيزان بود \*\*\* كه زبند غم ايام نجاتم دادند

**آيات**

انا انزلناه في ليلة القدر\* و ما ادريك ما ليلة القدر\* ليلة القدر خير من الف شهر\* تنزل الملائكة و روح فيها باذن ربهم من كل امر\* سلام هي حتي مطلع الفجر

ما قرآن را در شب قدر نازل كرديم. و از شب قدر چه آگاهت كرد. شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است. در آن شب فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان براي هر كاري كه مقرر شده است فرود مي‌آيند. آن شب تا دم صبح صلح و سلام است.

شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن هدي للناس و بينات من الهدي و الفرقان[46]

ماه رمضاني كه قرآن را در آن فرو فرستاديم كتابي كه مردم را راهبر و متضمن دلائل آشكار هدايت و ميزان تشخيص حق از باطل است.

انا انزلناه في ليلة مباركة انا كنا منذرين\* فيها يفرق كل امر حكيم[47]

ما قرآن را در شبي فرخنده نازل كرديم زيرا كه هشدار دهنده بوديم پس در آن شب هر كاري محكم و استوار مي‌شود.

**روايات**

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: ماه رمضان فرا رسيده ماهي با بركت كه خدا روزه‌اش را بر شما واجب گردانيد. درهاي بهشت در اين ماه باز مي‌شود و شياطين در غل و زنجيرند در اين ماه شب قدر است كه فضيلت آن از هزار ماه بيشتر است. در حقيقت محروم كسي است كه از بركات آن شب محروم باشد.[48]

امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: ماه رمضان ماهي است كه در آن قرآن نازل گشته است و در اين ماه به پيامبر صلی الله علیه و آله و سلم وحي شده و در آن شب قدر است. شبي كه از هزار ماه بالاتر است. در آن شب هر كاري محكم و برقرار مي‌شود و مسائلي كه در آن سالها از نيكي و بدي، سود و زيان، زندگي و مرگ وجود دارد رقم زده مي‌شود و به همين جهت است كه قدر ناميده شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: پس هنگامي كه شب آخر ماه رمضان به پايان رسيد خدا همه بندگانش را مي‌بخشد مردي پرسيد: آيا در شب قدر اي رسول خدا؟ حضرت فرمود: آيا نديده‌اي كه هر گاه كار كارگر تمام شد مزدش را مي‌دهند.[49]

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام از شب قدر سؤال مي‌كند حضرت مي‌فرمايد: علامت شب قدر اين است كه بوي خوش از آن پخش مي‌شود. اگر در سرماي زمستان باشد گرم و ملايم و اگر در گرماي تابستان باشد خنك و معتدل و نيكو خواهد بود.[50]

امام صادق علیه السلام فرمود: شب قدر در هر سالي هست و روز آن مانند شبش نيكوست.[51]

از پيامبر اكرم صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد كه اگر شب قدر را درك كرديم از خدا چه بخواهيم؟ فرمود: سلامتي بخواهيد.[52]

موسي (علي نبينا و آله و عليه السلام) به خدا عرض كرد: خدايا مي‌خواهم به تو نزديك شوم فرمود: قرب من براي كسي است شب قدر بيدار باشد هست گفت: خدايا! رحمتت را مي‌خواهم فرمود: رحمتم از آن كسي است كه در شب قدر به مسكينان رحمت كند. گفت: خدايا! جواز گذشتن از پل صراط را مي‌خواهم فرمود: آن از آن كسي است كه در شب قدر صدقه‌اي بدهد. گفت: خدايا! از درختان و ميوه‌هاي بهشتي مي‌خواهم. فرمود: آنها براي كسي است كه در شب قدر مرا به پاكي و تنزيه ياد كند. گفت: خدايا! رهائي از آتش جهنم را مي‌خواهم. فرمود: آن براي كسي است كه از گناهانش در شب قدر استغفار كند. گفت: خدايا! خشنودي تو را مي‌خواهم فرمود: خشنودي من از آن كسي است كه در شب قدر دو ركعت نماز بخواند.[53]

**مثال**

در شب قدر پروردگار متعال مي‌خواهد با اجبار بندگانش را داخل بهشت كند. اين از فضيلت شب قدر و گناه بخشي و رحمت شايان و بي دريغ خدا در اين شب مشخص مي‌شود. خدا مي‌گويد هر كس بيايد او را قبول مي‌كنم هر چند كه خود بنده نخواهد اما به صرف يك عمل كوچك و چند ساعتي شب زنده داري، مقدرات يك سال او را معين مي‌نمايد. درست مانند بچه‌اي كه مي‌خواهند به او واكسن بزنند. شايد بچه از آن خوشش نيايد و حتي بترسد اما مهم سلامتي اوست حتي اگر گريه هم بكند به او واكسن مي‌زنند و هيچ كس از او نمي‌پرسد كه آيا دوست داري به تو واكسن بزنيم يا نه. چون عقل بچه نمي‌رسد و بايد چيزي را كه برايش مفيد است به روز به او تحميل كنند.

**داستان**

[اميد به رحمت در شب قدر] اميد به رحمت در شب قدر

عبد الله نيشابوري مي‌گويد: بين من و حميد بن قحبطه رفاقتي بود. در ماه رمضان روزي از نيشابور به طوس رفتم. حميد بن قحبطه كه حاكم طوس بود از آمدن من با اطلاع شد وشبي از شبهاي آخر ماه رمضان، مرا به خانه خود دعوت نمود. قبل از افطار به خانه او رفتم. وقتي كه وارد شدم ديدم براي پذيرائي از من سفره‌اي انداخت و غذائي آماده كرد من تعجب كردم. حميد به من غذا تعارف كرد و من به او گفتم: من نه مريض هستم، نه مسافر و نه عليل و بي جهت روزه خود را باز نمي‌كنم. از او پرسيدم چرا او روزه نمي‌گيرد. امير شروع به گريه نمود. من تعجب كردم و علت گريه او را پرسيدم. او گفت:

وقتي كه هارون الرشيد در طوس بود، شبي مرا طلبيد. نزد او رفتم و ديدم كه خشمگين ايستاده و شمشير برهنه‌اي در دست اوست. به من گفت: اطاعت تو از من چقدر است؟ جواب دادم: با نفس و مال از تو حمايت مي‌كنم. آن گاه مرا مرخص نمود. هنوز بيرون نرفته بودم كه مجددا مرا خواست و با همان حالت بلكه خشمگين‌تر همان سؤال را از من پرسيد. من گفتم: من با جان و مال و اهل و اولاد از تو اطاعت مي‌كنم. سپس اذان مراجعت به من داد. وقتي كه به منزل خود رسيدم غلامش را دنبالم فرستاد و گفت: خليفه تورا فراخوانده است. براي بار سوم به دربار رفتم و او باز همان سؤال را از من كرد. من براي رضاي خاطر و اطمينان او گفتم: من با جان و مال و فرزندان و دينم از تو حمايت مي‌كنم. اين را كه گفتم خنديد و به من گفت: اين شمشير را بگير و هر جا كه اين غلام رفت برو و هر چه به تو امر كرد، امر من است.

غلام مرا با خود به زندان برد كه در يكي از سياه چالهاي مخوف آن بيست نفر از سادات علوي زنداني بودند. از موهاي بلند آنان معلوم بود كه مدت زيادي است كه زندان هستند. غلام رو به من كرد و گفت: فرمان اميرالمؤمنين اين است كه اين بيست نفر را گردن بزني. من هم اطاعت كردم و آنها را يك به يك گردن زدم سپس بدن آنها را در ميان چاهي انداخت. سپس به سياه چالي ديگر رفتيم كه در آنجا نيز بيست نفر از سادات بني الزهرا زنداني بودند كه همگي لاغر و نحيف شده بودند. غلام به من رو كرد و گفت: دستور خليفه اين است كه اينها را هم گردن بزني. اطاعت كردم و آنها را نيز گردن زدم و غلام دوباره بدنهاي آنها را به چاه انداخت.

بعد به سياه چال تاريك ديگري رفتيم كه در آن نيز بيست زنداني از سادات وجود داشت و مأمور شدم كه آنها را نيز بكشم. اما نفر آخر پيرمردي بود كه بدن لاغر و موهاي بلندي داشت وقتي خواستم او را بكشم به من گفت: مرگ بر تو اي رو سياه! فرداي قيامت جواب جدم علي و مادرم فاطمه را چه خواهي داد؟ بدنم لرزيد اما بالاخره او را هم كشتم و غلام بدنش را به چاه انداخت. حالا تو بگو ديگر نماز و روزه و شب زنده داري به درد من مي‌خورد؟.[54]

**داستان علماء پيرامون شب قدر**

**حاج محمد ابراهيم كلباسي (رحمه الله)**

آورده‌‌اند كه حاج محمد ابراهيم كلباسي كه از معاصران ميرزاي قمي و سيد شفتي و از شاگردان بحر العلوم و... است شب قدر را با عبادت ادراك مي‌كرد. زيرا مدت يك سال هر شب را تا صبح عبادت مي‌كرد و معلوم است كه شب قدر از شبهاي سال بيرون نيست.[55]

**آقا سيد علي صاحب رياض (رحمه الله)**

صاحب رياض در راه علم محنت بسيار كشيد. مشهور است كه آن جناب علم را به گريه و زاري و مناجات از درگاه باري تعالي تحصيل نموده زيرا ظاهرا مدت تحصيلش آن قدر نبود كه بتوان به اين مرتبه بلند رسيد و مي‌گويند وي شبهاي جمعه را تا صبح احياء مي‌كرد و به عبادت خداوند متعال مشغول بود.[56]

**ملا محمد تقي برغاني (رحمه الله)**

در اين احوال ايشان چنين نوشته‌اند: عبادت آن جناب چنان بود كه هميشه از نصف شب تا طلوع صبح صادق به مسجد خود مي‌رفت و به مناجات و ادعيه و تضرع و زاري و تهجد اشتغال داشت و مناجات خمس عشرة را از حفظ مي‌خواند و بر اين روش و شيوه پسنديده استمرار داشت تا همان شب كه شربت شهادت نوشيد. مكرر در فصل زمستان ديده مي‌شد كه در پشت بام مسجد خود در حالي كه برف به شدت مي‌باريد در نيمه شب پوستين بر دوش و عمامه‌اي بر سر داشت و مشغول تضرع و مناجات بود و با حالت ايستاده و دستها را به سوي آسمان بلند كرده تا اينكه برف سراسر قامت مباركش را از سر تا پا سفيد پوش مي‌كرد.[57]

**آقا سيد صدر الدين عاملي اصفهاني (رحمه الله)**

مرحوم شيخ عباس قمي در شرح حال اين عالم بزرگوار مي‌نويسد: ... اين سيد جليل، بكاء و كثير المناجات بود. نقل شده كه شبي از شبهاي ماه رمضان داخل حرم اميرالمؤمين علیه السلام شد. بعد از زيارت، نشست پشت سر مقدس و شروع كرد به خواندن دعاي ابوحمزه ثمالي همين كه شروع كرد به كلمه الهي لا تؤدبني بعقوبتك گريه او را فرا گرفت و پيوسته اين كلمه را مكرر كرد و گريه كرد تا غش كرد و او را از حرم مطهر بيرون آوردند.[58]

**علامه طباطبايي (رحمه الله)**

علامه طباطبايي در علائم شب قدر مي‌گويد: روايات در معني و خصايص و فضائل شب قدر بسيار است. در بعضي از آن روايات علامت‌هائي براي شب قدر ذكر كرده‌اند از قبيل اينكه شب قدر، صبح آن شب آفتاب بدون شعاع طلوع مي‌كند و هواي آن روز معتدل است.[59]

**سخن آخر**

**ياد امام حسين علیه السلام**

روزي شخصي خدمت يكي از حضرات معصومين علیه السلام سخن از شبهاي مبارك رمضان و ليالي قدر به ميان مي‌آورد و از فضيلت آن از حضرت سؤال مي‌كند. حضرت شروع به شمردن خصايص و فضايل شب قدر مي‌نمايد. شخصي در مجلس حضور داشت و با شنيدن آن آه حسرتي كشيد كه چرا شب قدر را به غفلت گذرانيده است و گفت: آه! وا غفلتاه! آن شب را در غفلت به سر بردم و عبادتي ننمودم. حضرت به او رو كرد و فرمود: پاداش تو از همه آن كساني كه ديشب (شب قدر) را تا صبح بيدار بودند و عبادت كردند بيشتر است. زيرا در آن شب تو آب نوشيدي و ياد از لب تشنه ابا عبدالله كردي و گفتي: سلام بر حسين و لعنت بر قاتلان او. همين مسأله سبب شد كه بهترين عبادت را در نامه عملت بنويسند.[60]

يكي از اعمال با فضيلت امشب ـ بيست و هفتم ماه رمضان ـ و شبهاي قدر، زيارت ابي عبد الله است. يعني خدا در گرامي‌ ترين شب سراغ گرامي ترين فرد هستي رفته. زيارت امام حسين علیه السلام يعني مهر قبولي همه طاعات و عبادات. زيارت امام حسين علیه السلام يعني درك فضيلت شب قدري كه از هزار شب بالاتر است. امشب يك سر برويم كربلا. اما از كجايش بگوئيم.

دلم مرغ لب بام تو باشد \*\*\* وجودم تشنه جام تو باشد

سرو جانم فداي قاصدي باد \*\*\* كه در لبهايش پيغام تو باشد

در اين عالم به هر كس هر چه دادند \*\*\* همه از رحمت عام تو باشد

تو حرف او بودي چنان كن \*\*\* كه حرف آخر نام تو باشد

همه عالم بود كرب و بلايت \*\*\* همه ايام ايام تو باشد

عدو لب تشنه‌ات كشت و ندادت \*\*\* كه دريا تشنه كام تو باشد

آي قربان غريبي‌ات بشوم آقا كه لحظه آخر هر چه گفتي: حالا كه مي‌خواهيد مرا بكشيد، حداقل يك مقدار آب به من بدهيد، جواب دادند: والله رهايت نمي‌كنيم تا بين دو نهر آب با لب تشنه سر از بدنت جدا كنيم.

بودند ديو و دد همه سيراب و مي‌مكيد خاتم ز قحط آب سليمان كربلا

آخر اين آب مهريه مادر من فاطمه است. نانجيب خنجر كشيد و آمد روي بوسه گاه نبي نشست، يك وقت صداي ناله عمه سادات بلند شد: وا حسيناه! اي عمر سعد خدا لعنتت كند چه نشستي دارند حسينم را مي‌كشند.

او مي‌كشيد و من مي‌كشيدم \*\*\* او مي‌بريد و من مي‌بريدم

او خنجر از كين من آه از دل \*\*\* او از حسين سر و من از حسين دل

**ولايت كليد قبولي**

در روايات زيادي به اين مسأله اذعان شده است كه ولايت اهل بيت كليد پذيرش و قبولي طاعات و عبادات مؤمنين است و عباداتي كه خالي از ولايت پذيري باشد هيچ ارزشي ندارد و خالي از محتواي معنوي مي‌باشد. هر كس رهبري و ولايت اين چهارده نور واحد را پذيرفت عبادت او در اعلي مرتبه توحيد و يكتاپرستي درج گرديد و الا عملي بي روح و پوچ خواهد بود.

نماز بي ولايت بي نمازي است \*\*\* عبادت نيست نوعي حقه بازي است

مؤمن بايد قلبش آكنده از ولايت و دوستي اين خاندان و عاري از محبت دشمنان آنها بوده و در يك كلمه آكنده از تولي و تبري بوده باشد. چه بسا بسياري بوده‌اند كه به سبب عدم ولايت پذيري سقوط كرده و نابود شده‌اند. انسان‌هائي كه حتي از عباد و زهاد روزگار خويش نيز به شمار مي‌رفته‌اند. امشب نيز كه شب آخر ماه مبارك رمضان است اين سي روز روزه را با دوستي اهل بيت و بغض دشمنان آنان به درب خانه خدا عرضه كنيم و بگوئيم:

از رهگذر خاك سر كوي شما بود \*\*\* هر نافه كه در دست نسيم چمن افتاد

**آيات**

اطيعو الله و اطيعو الرسول و اولي الامر منكم[61]

از خدا و رسول و كساني كه سرپرست شما را هستند پيروي كنيد.

انما وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزكوة و هم الراكعون[62]

سرپرست شما خدا و رسولش و كساني هستند كه نماز بر پا مي‌دارند و در حالي كه در ركوعند زكات مي‌دهند.

والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولياء بعض[63]

بعضي از مؤمنان و مؤمنات سرپرست ديگران هستند.

**روايات درباره ولايت**

امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: نظر بر ذريه ما عبادت است گفتند: منظور ائمه طاهرين هستند؟ فرمود: خير بلكه به همه افراد منسوب به نبي به شرطي كه مؤمن بوده و از صراط مستقيم خارج نشده و دامن تميز خودشان را به گناهان آلوده نكرده باشند.[64]

امام سجاد علیه السلام فرموده‌اند: اي ابا خالد! هر كه در عصر غيبت امام زمان (عج) زندگي كند و به امامت ايشان معتقد بوده و در انتظارش باشد از بهترين مردم خواهد بود كه خداوند به آنها دركي بزرگ و استعدادي سرشار و شناختي عظيم عطا فرموده است كه در عين غيبت امام‌شان و ظاهر نبودن حجت براي آنان به منزله مشاهده و حضور است و به وظائف زمان غيبت كوشا هستند. پروردگار متعال اين گروه را همانند سلحشوران با ايمان عصر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده كه شمشير به دوش در خدمت حضرت بودند آنان بندگان خاص خداوند و شيعيان حقيقي هستند كه در آشكار و نهان داعي الي الله مي‌باشند هر كه انتظار فرج آل محمد را داشته باشد بهترين انتظار است.[65]

در يك حديث طولاني پيامبر اكرم صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت فاطمه (عليها السلام) فرمود كه روز قيامت جبرئيل از طرف پروردگار مي‌گويد: اي فاطمه! حاجت خود را از من بخواه پس تو (اي فاطمه!) مي‌گوئي: پروردگارا! شيعيانم. آن گاه خداي عزوجل مي‌فرمايد: همه آنها را بخشيدم. باز مي‌گوئي: خدايا! شيعيان فرزندانم. سپس خدا مي‌فرمايد: همه آنها را نيز بخشيدم. باز مي‌گوئي: پروردگارا! دوستان شيعيانم. خداوند مي‌فرمايد: فاطمه! روانه بهشت شو، هر كه به تو ولايت داشته باشد با تو در بهشت خواهد بود.[66]

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: هر كس بر محبت آل محمد بميرد شهيد است. بدانيد كه هر كس بر محبت آل محمد بميرد گناهانش بخشيده مي‌شود بدانيد هر كس بر محبت آل محمد بميرد در حال توبه مرده است بدانيد هر كس بر محبت آل محمد بميرد مؤمن با ايمان كامل مرده است بدانيد كه هر كس با محبت آل محمد بميرد ملك الموت و نكير و منكر او را به بهشت بشارت خواهند داد بدانيد هر كس بر محبت آل محمد بميرد خدا از قبرش دري به بهشت مي‌گشايد بدانيد هر كس بر محبت آل محمد بميرد بر شيوه پيامبر و جماعت مسلمانان مرده است و هر كس با بغض آل محمد بميرد در روز قيامت حاضر مي‌شود در حالي كه بر پيشاني او نوشته شده است اين كسي است كه از رحمت خدا مأيوس است و رحمت خدا به او نمي‌رسد و بدانيد هر كس كه بر بغض آل محمد بميرد كافر مرده و هر كس بر بغض آل محمد بميرد هرگز بوي بهشت را هم استشمام نمي‌كند.

امام سجاد علیه السلام فرموده‌اند: سوگند به كسي كه محمد را به راستي در حالي كه مژده دهنده و بيم دهنده است مبعوث گردانيده كه خوبان ما خاندان پيامبر و پيروان شان به منزله موسي و پيروانش خواهد بود و دشمنان ما و پيروان آنها به منزله فرعون و پيروانش خواهد بود.[67]

امام كاظم علیه السلام فرموده‌اند: اسلام بر پنج چيز استوار است؛ ولايت، نماز، زكات، روزه ماه رمضان و حج.[68]

امير المؤمنين علیه السلام فرموده‌اند: حدود واجباتي كه خداوند آنها را بر بندگانش واجب كرده است، پنج تاي آنها از بزرگترين فرايض هستند: نماز، زكات، حج، روزه، و ولايت كه نگاهدارنده و پاسدار اين چهار فريضه است.[69]

ابن ابي نجران مي‌گويد از امام رضا علیه السلام شنيدم كه مي‌گفت شيعيان ما كساني هستند كه بپا مي‌دارند نماز را و زكات مي‌دهند و به بيت الله الحرام مي‌روند (حج مي‌كنند) و ماه رمضان روزه مي‌گيرند و اهل بيت را دوست دارند.[70]

**داستان**

**شيعه علي علیه السلام**

روزي پيامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حال سرور و شادماني در خانه علي علیه السلام وارد شد و سلام كرد حضرت عرض نمود: يا رسول الله! هرگز شما را به اين شادي و خوشحالي نديده بودم. فرمود: يا علي! بشارت باد بر تو! كه الان جبرئيل بر من نازل شد و گفت خداوند به تو سلام مي‌رساند و مي‌فرمايد كه علي را بشارت ده كه شيعيان او را چه عاصي و چه مطيع اهل بهشت مي‌گردانم.

علي علیه السلام با شنيدن اين سخن به سجده افتاد و سپس دست‌هايش را به طرف آسمان بلند كرد و گفت: خدا را شاهد مي‌گيرم كه نصف حسناتم را به شيعيانم بخشيدم. سپس حسنين (عليهما السلام) نيز همين سخن را گفتند. بعد پيامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شما كريم‌تر از من نيستيد من تمام حسناتم را به شيعيانم و محبين علي بخشيدم.[71]

**ثمره دوستي**

حسين بن عون مي‌گويد: سيد حميري شاعر اهل بيت در بستر مرگ افتاده بود و من به جهت عيادت به خانه او رفتم. ديدم كه حال او بسيار نامساعد است و عده‌اي از همسايه‌هاي او كه ولايت علي را قبول نداشتند و طرفدار عثمان بودند اطراف او را فرا گرفته‌اند. ناگهان حال سيد بدتر مي‌شود و صورتش چون شب سياه مي‌گردد. شيعيان حاضر ناراحت شدند وناصبي‌ها شروع به شماتت و سرزنش شيعيان كردند. بعد از مدتي چهره سيد به سفيدي گرائيد و نوري از چهره او نمايان شد. او نيز اشعاري با اين مضمون خواند:

ـ دروغ گفت كسي كه گمان كرد علي محبين‌اش را از سختيها نجات نمي‌دهد.

ـ به خدا قسم داخل بهشت شدم و خدا مرا آمرزيد.

ـ بشارت باد بر شما اي دوستان علي! از علي تا هنگام مرگ دست بر نداريد.

ـ از بعد او اولادش را يكي پس از ديگري دوست بداريد كه داراي صفات علي هستند.

پس از خواندن اين اشعار شهادتين را بر زبان جاري نمود و كم كم چشمانش را فرو بست و از دنيا رفت.[72]

**ولايت اهل بيت**

مردي روز خدمت اميرالمؤمنين علیه السلام رسيد و پرسيد: كمترين چيزي كه انسان در پرتو آن جزو مؤمنان خواهد شد چيست و كمترين چيزي كه با آن جزو كافران مي‌شود كدام است؟ حضرت جواب داد: كمترين چيزي كه انسان به سبب آن در زمره گناهان در مي‌آيد اين است كه ولايت ما را نپذيرد آن مرد گفت: يا اميرالمؤمنين! منظورت از ما چه كساني است؟ حضرت فرمود: همان‌هائي كه خداوند اطاعت‌شان را در رديف خود و پيامبر خود قرار داده است و فرموده:

يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعو الرسول و اولي الامر منكم آن مرد پرسيد: فدايت شوم! برايم روشن‌تر بيان كن حضرت فرمود: آناني كه رسول خدا در موارد مختلف و در خطبه روز آخرش آنها را ياد كرد و فرمود: من در ميان شما دو چيز با ارزش را به يادگار مي‌گذارم. اگر دست به دامن آنها بزنيد هرگز بعد از من گمراه نخواهيد شد؛ كتاب خدا و خاندانم كه از هم جدا نخواهند شد تا بر حوض كوثر بر من وارد شوند.[73]

**سبب شادي شيطان**

جابر بن عبد الله انصاري مي‌گويد: به حضرت باقر علیه السلام عرض كردم: فدايت شوم براي من حديثي در فضيلت جده‌ات فاطمه زهرا بفرمائيد تا هنگامي كه براي شيعيان آن را بيان كنم خوشحال گردند.

حضرت فرمود: پدرم از رسول خدا نقل كرد كه در روز قيامت براي انبيا منبرهائي از نور برپا مي‌شود كه منبر من از همه بلندتر است پس خداي متعال به من مي‌فرمايد: خطبه‌اي بخوان! و من خطبه‌اي مي‌خوانم كه هيچ يك از پيامبران آن را نشنيده‌اند. سپس براي اوصيا منابري مهيا مي‌شود منبر علي علیه السلام از همه بلندتر است و او نيز خطبه‌اي مي‌خواند. بعد از آن براي فرزندان انبيا و اوصيا منابري برپا مي‌شود كه منبر حسنين از همه بلندتر است و به آنها گفته مي‌شود كه خطبه‌اي بخوانند و آنها نيز خطبه‌اي مي‌خوانند كه هيچ يك از فرزندان انبيا و اوصيا نشنيده‌اند سپس جبرئيل ندا مي‌دهد كه فاطمه كجاست؟ سپس فاطمه‌ام بر مي‌خيزد

خطاب مي‌رسد: اي اهل محشر! امروز از آن كيست؟ من، علي و حسنين جواب مي‌دهيم: اي خداوند قهار از آن توست. خطاب مي‌رسد: امروز را روز محمد، علي و فاطمه و حسنين قرار دادم. سپس منادي ندا مي‌دهد: اي اهل محشر سرها را پايين اندازيد و چشم‌ها ببنديد كه فاطمه مي‌خواهد به بهشت رود. آن گاه ناقه‌اي از ناقه‌هاي بهشتي مي‌آورند كه زينت شده است و در هر طرف از آن صد هزار فرشته با بالهاي خود فاطمه را سوار بر ناقه نموده و بر در بهشت مي‌رسانند اما فاطمه داخل بهشت نمي‌شود خطاب مي‌رسد: اي دخت حبيب من! چرا وارد نمي‌شوي بهشت خود را براي تو آراسته، عرض مي‌كند: مي‌خواهم در اين روز اجر خود را در محضر تو بدانم. خداوند مي‌فرمايد: اجر تو آن قدر است كه هر كس ذره‌اي از محبت تو و فرزندانت در دلش باشد با تو وارد بهشت شود. آن گاه امام باقر علیه السلام فرمود: والله اي جابر! در آن روز فاطمه شيعيان دوستانش را بر مي‌گزيند و مانند پرنده‌اي كه دانه خوب را از بد جدا مي‌نمايد و با محبين خود وارد بهشت مي‌شود. خداي متعال در قلب محبين چنين مي‌اندازد كه كمي صبر كنند آن گاه خطاب مي‌رسد: چرا توقف نموديد و حال آن كه فاطمه شفاعت شما را نموده است پاسخ مي‌دهند كه پروردگارا دوست داريم كه در اين روز اجرمان را بدانيم. خداي تعالي مي‌فرمايد: اي دوستان من ببينيد چه كساني شما را به خاطر فاطمه در دنيا دوست داشته و به خاطر او به شما غذا داده و سيراب‌تان نموده دست او را بگيريد و همراه خود داخل بهشت بريد.[74]

**داستان علماء**

**سيد مرتضي كشميري (رحمه الله)**

سيد جليل آقا سيد نقي كشميري فرزند صاحب كرامات باهره، حاج مرتضي كشميري فرمود كه آقا سيد عباس لاري مي‌فرمايد:

در اوقات تحصيل علوم دينيه در نجف اشرف روزي در ماه مبارك رمضان طرف عصر افطاري تهيه كرده و در حجره گذاشتم و درب حجره را قفل كرده و رفتم كه پس از نماز مغرب و عشا بيايم تا آنكه نماز را خوانده و به مدرسه آمدم. خواستم درب حجره را باز كنم ديدم كليد در جيبم نيست هر چه تفحص كردم كليد را پيدا نكردم و به واسطه شدت گرسنگي و نيافتن كليد سخت ناراحت بودم. از مدرسه بيرون آمدم و متحيرانه در مسير خود تا حرم مطهر مي‌رفتم و به زمين نگاه مي‌كردم ناگاه مرحوم سيد مرتضي كشميري را ديدم از علت ناراحتي‌ام پرسيد. مطلب را عرض كردم سپس با من به مدرسه آمد و فرمود: مي‌گويند نام مادر موسي (علي نبينا و آله و عليه السلام) را اگر كسي بداند و به قفل بسته بخواند آن قفل باز مي‌شود آيا جده ما فاطمه زهرا (عليها السلام) كمتر از اوست؟ پس دست بر قفل نهاد و ندا كرد: يا فاطمه! و قفل باز شد.[75]

**روضه**

فاطمه جان! ماه رمضان تمام شد. امشب آمده‌ايم در خانه شما عرضه بداريم: خانم! شما كه همه گره‌هاي بسته و مشكلات را باز مي‌كنيد آمده‌ايم گره از كار ما هم بگشاييد. سي روز در خانه خدا آمده‌ايم و حالا مي‌خواهيم عبادت اين يك ماه را خدمت شما عرضه كنيم تا پاي پرونده رمضان امسال ما را امضا نماييد، آخر رسم است كه شب آخر هر دهگي در خانه شما مي‌آيند و مي‌گويند:

ما مزد عزاداري ازفاطمه مي‌خواهيم

اما ما امشب آمده‌ايم بگوييم كه ما از شما مزد نمي‌خواهيم همين كه به ما توفيق داديد هر شب بعد از يك روز روزه‌ داري اينجا گرد هم جمع شويم و ذكر شما را به ميان آوريم براي ما بس است.

شما مزد ما را قبلا داده‌ايد كه محبت خود و فرزندان‌تان را در دل ما انداخته‌ايد، اما بايد يك قولي به ما بدهيد آن هم اينكه آن لحظه‌اي كه سرها و چشم‌ها، همه از هيبت شما پايين است و ندا مي‌دهند كه: فاطمه! محبين‌ات را داخل بهشت كن دست ما را هم بگيريد و با خود ببريد آخر ما يك عمر است كه اسم شما را مي‌بريم و به سينه مي‌زنيم، يك عمري است كه با شما بوده‌ايم.

اگر شيعه واقعي شما نبوده‌ايم محب شما بوده‌ايم. آروزي‌مان هست كه در دنيا با شما باشيم در آخرت هم با شما باشيم. ما بغض دشمنان شما را به سينه داريم هر وقت آب مي‌خوريم قاتلان پسرت حسين را لعن مي‌كنيم، هر وقت زمين مي‌خوريم قاتلان شما را لعن مي‌كنيم، هر گاه مي‌ايستيم يا علي مي‌گوييم و بر مي‌خيزيم.

هر كس ولاي مرتضي دارد بيايد \*\*\*\* در جمع ما خصم و را لعنت نمايد

ما مهر اولاد علي در سينه داريم \*\*\*\* با خصم زهرا كينه ديرينه داريم

يا فاطمه من عقده دل وا نكردم \*\*\*\* گشتم ولي قبر تو را پيدا نكردم

دشمن تقاص كشتگان بدر و خيبر \*\*\*\* بگرفته است از تو به پيش چشم حيدر

مادر چرا از زينب خود رو گرفتي \*\*\*\* بنشسته‌اي و دست بر پهلو گرفتي

گل كرده اشك و خون به روي دامن تو \*\*\*\* بوي جدايي مي‌دهد پيراهن تو

اين دلهاي ما پشت درب نيم سوخته خانه شما زانوي غم بغل كرده و منتظر پسرت مهدي است كه بيايد و انتقام شما را بگيرد اين داغ عمري است كه بر دل ما مانده كه آخر گناه شما چه بود كه آن طور در به پهلويت زدند؟ جرم شما چه بود كه دست شما را با غلاف شمشير شكستند. انشاء الله پسرت مهدي مي‌آيد و انتقام چادر خاكي‌ات را مي‌گيرد.

**پی نوشتها:**

[1] - وسائل الشيعه: 7/232.

[2] - ميزان الحكمه: 4/176.

[3] - بحار الانوار: 55/341.

[4] - بحارالانوار: 93/370.

[5] - بحار الانوار: 93/369.

[6] - بحار الانوار:93/370

[7] - بحارالانوار: 93/371.

[8] - بحارالانوار: 93/369.

[9] - بحار الانوار: 93/368.

[10] - بحارالانوار: 93/339.

[11] - عيون الاخبارالرضا: 2/249.

[12] - بحارالانوار: 93/369.

[13] - وسائل الشيعة: 7/ 232.

[14] - امالي صدوق: 62.

[15] - وسائل الشيعة: 7/259.

[16] - بحارالانوار: 93/351.

[17] - بحار الانوار: 57/242.

[18] - ميزان الحكمه: 4/176.

[19] - بحار الانوار: 93/338.

[20] - ميزان الحكمة: 4/179.

[21] - ميزان الحكمة: 4/179.

[22] - بحارالانوار: 93/364.

[23] - بحار الانوار: 7/190.

[24] - وقايع الايام 129.

[25] - بقره: 183.

[26] - بقره: 185.

[27] - اركان الاسلام: 16.

[28] - وسائل الشيعه 4/174.

[29] - امالي صدوق: 55.

[30] - مصباح الشريعة: 137.

[31] - امالي طوسي: 2/136.

[32] - مستدرك: 7/368.

[33] - بحار الانوار: 93/346.

[34] - وافي 7/33.

[35] - انعام 91.

[36] - ظاهرا از پايان ماه رمضان اظهار شادماني مي‌كردند.

[37] - من لا يحضره الفقيه: 2/174.

[38] - ينابيع المودة /174.

[39] - فرازهايي از ابعاد روحي، اخلاقي و عرفان امام خميني/ 19.

[40] - ياد نامه علامه طباطبايي: /131.

[41] - زندگاني و شخصيت شيخ انصاري: 382.

[42] - نور 22.

[43] - مناقب: 4/158.

[44] - معالي السبطين 2/128.

[45] - مصائب المعصومين 3/237.

[46] - بقره: 185.

[47] - دخان: 3.

[48] - تهذيب: 4/152

[49] - بحار الانوار 93/364.

[50] - وسائل الشيعه 7/256

[51] - همان: 262.

[52] - مستدرك: 7/457.

[53] - مستدرك: 7/456.

[54] - منتخب التواريخ: 460 به نقل اخبار عيون الرضا.

[55] - قصص العلماء: 73.

[56] - وحيد بهبهاني: 192.

[57] - نجوم السماء: 408.

[58] - منتهي الآمال: 5/63.

[59] - الميزان: 40/332.

[60] -حديقة الشيعة: 508.

[61] - نساء: 59.

[62] - مائده: 55.

[63] - توبه: 71.

[64] - سفينة البحار: 2/253.

[65] - احتجاج طبرسي:2/50.

[66] - ريحانة النبي: 1/222.

[67] - مشكاة الانوار: 81.

[68] - بحار الانوار: 65/331.

[69] - بحار: 65/388.

[70] - بحار: 65/168.

[71] - منتخب التواريخ: 802.

[72] - الغدير: 2/274.

[73] - ينابيع المودة: 117.

[74] - فاطمه زهرا: 626.

[75] - مردان علم در ميدان عمل: 412.